

الزام توجه مدیران کشور به توسعه انسانی از منظر نهج البلاغه

Requiring Country managers to pay attention to human development from the viewpoint of Nahjolbalagheh

سید صابر سیدی فضل الهی

کارشناس ارشد فلسفه اخلاق از دانشگاه پیام نور تهران
doctorseydi@yahoo.com

ناصر محمدی

دانشیار دانشگاه پیام نور تهران جنوب
nasermohamadi@yahoo.com

چکیده

امروزه کلید تمامی ابعاد توسعه را، توسعه انسانی قلمداد می‌کنند که بدون آن رشد و توسعه امکان‌پذیر نیست. در نظام اسلامی، نیروی انسانی از طرفی خود هدف است و از طرف دیگر خود عامل و کلید توسعه است. لزوم تربیت جسم و روح، همواره مورد توجه اندیشمندان هر زمان بوده است. از ابتدای آفرینش تاکنون، موضوع تعلیم و تربیت، اساسی‌ترین رسالت پیامبران بوده و به دنبال آن امامان، پیشوایان و روشنفکران در این زمینه مردم را راهنمایی نموده‌اند. بنابراین از ویژگی‌های مدیریتی یک مدیر کشوری، برقراری شرایط مطلوب جهت رشد و ارتقاء آحاد جامعه در عرصه تعلیم و تربیت است. بدین ترتیب از دیدگاه نهج البلاغه نیز آموزش و تربیت افراد جامعه یکی از تکالیف قطعی و الزامی مدیر است که از آن تنها به عنوان یک امر شایسته تلقی نمی‌گردد، بلکه وظیفه‌ای است که خداوند آن را برعهده زمامدار و مدیر کشور گذاشته است و شامل همه موضوع‌های فراگیر است که حیات معقول را برای بشر امکان‌پذیر می‌سازد. اسلام به تعلیم محض قناعت نکرد، بلکه عملی ساختن آگاهی‌ها و به فعلیت رساندن ابعاد روحی چون صبر، تلاش و کشف علوم مختلف و نظایر آن را در متن زندگی فردی و اجتماعی انسان مورد نظر قرار داده است. (جعفری تبریزی، ۱۳۶۷: ج ۹، ۳۵)

به نظر نگارنده مدیران کشور و در راس آنها حاکم اسلامی به کمک بسترسازی فرهنگی مناسب که با بهره‌گیری از مبانی و روش‌های صحیح تربیتی و علم تخصصی روز میسر می‌شود، می‌تواند فضای جامعه را برای اجرای عدالت آماده سازد؛ و از تمام افراد جامعه برای رشد و توسعه در تمام رشته‌های علمی و با توجه به مزیت نسبی کشور بهره‌گیرد. از طرفی نبود تربیت اجتماعی برخاسته از اخلاق اجتماعی در یک جامعه منجر به کاهش بازده توسعه کشور و همچنین سلب امنیت و آرامش برای شهروندان آن جامعه خواهد شد، بنابراین بر عهده گرفتن امر تربیت اجتماعی با توجه به علوم انسانی روز و نگاهی به سنت‌ها و ریشه‌های فرهنگی جامعه هدف از جمله وظایف مسئولین تربیتی، بلکه وظیفه مدیران جامعه می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، مدیران، نهج البلاغه

Management, Economics, Accounting and Humanities
at the Beginning of Third Millennium

Abstract

Nowadays The key to all aspects of development is human development, That Without it, development is not possible. In the Islamic system, the goal is the human resources And on the other hand is a key to development. The need to nurture body and soul has always been of interest to scholars at any time. From the beginning of creation until now, the issue of education, the most basic mission of the Prophet Followed by, in this context, intellectuals, imams and leaders have to guide people. So management feature a country director to establish favorable conditions for the growth and modernization of society in the field of education. Thus, from the perspective of Nahj al-education of the community is the most important management tasks That it is not seen as just as good a job But the task that God has given to the ruler and general manager Country And include comprehensive topics that "Reasonable life" makes it possible for human beings. Islam not only training but consider: knowledge and to actualize the spiritual dimension of man Such as patience, effort and discover science. And these,Put in the context of the social life of all people.

In my opinion Managers of the country, led by the Islamic ruling , By appropriate cultural context And using sound pedagogical methods and specialized knowledge, can prepare the community for justice. And benefit from all members of society for growth and development in all scientific disciplines, according to its comparative advantage. On the other hand The lack of social education in a society from the social morality will lead to reduced efficiency of the country's development. And makes stripping the security and safety of citizens. The duty of educational authorities and community leaders, including: take the social education according to the Humanities and Social Sciences And look at the traditions and cultural roots of the target population.

Keywords: human development, managers , Nahjolbalag

مقدمه

انسان طبق حدیث شریف نبوی «خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» مطابق با صورت خدا آفریده شده و به فرموده ی امام علی (ع) تنها یک جرم صغیر نیست بلکه مخلوقی است که هستی او با حقیقت مطلق در یک نوع ارتباط و همبستگی دائمی و همیشگی بوده و هست. (حسینی سروری، ۱۳۶۹: ۳۰۲)

چنان که در دیوان امام علی (ع) آمده است :

أَتَزَعَمُ إِنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ إِنطَوَى الْعَالَمُ الْكَابِرُ

وَأَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي بَاخِرْفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ (بیهقی کیدری، ۱۳۷۳: ۲۳۶)

آیا گمان می کنی که تو جسمی خرد و کوچکی؟ در حالی که در تو جهانی بزرگ نهفته است؛ و تو آن کتاب آشکار خداوندی که با حروفش پنهانیها آشکار می شود.

جان اگر یک بانگ بر ابلق زند بر فراز نه فلک بیرق زند

بال و پر بگشایداز سیمرغ جان آشیان گیرد به قاف لامکان

(نراقی، احمد، ۱۳۶۲: ۳۶-۳۸)

تعلیم و تربیت در طول تاریخ بشر ، بیش از هر فعالیت اجتماعی دیگر ، اهمیت داشته است. در بیان اهمیت تعلیم و تربیت کافی است گفته شود که تحقق گوهر آدمی منوط بدان بوده و فعالیت هایی که تحت عنوان آموزش و پرورش در مورد انسان اعمال می شود ، شرط لازم برای تکامل است .

توسعه هر چه بهتر روابط صحیح اجتماعی شهروندان یک جامعه بستگی به تدوین و ارائه تربیت اجتماعی بر پایه فرهنگ ، عقاید ، اهداف و سیاست های تربیتی آن جامعه دارد. پس بر اولیای تعلیم و تربیت یک جامعه لازم است که در مرحله اول به تبیین و تشریح قواعد موجود در تربیت اجتماعی مطلوب و منطبق بر موازین اسلامی اقدام کند.

لزوم توسعه انسانی

امروزه کلید تمامی ابعاد توسعه را، توسعه انسانی قلمداد می کنند که بدون آن رشد و توسعه امکان پذیر نیست. در نظام اسلامی، نیروی انسانی از طرفی خود هدف است که توسعه برای او در خدمت اوست و از طرف دیگر خود عامل و کلید توسعه است .

لزوم تربیت جسم و روح، همواره مورد توجه اندیشمندان هر زمان بوده است. از ابتدای آفرینش تاکنون، موضوع تعلیم و تربیت، اساسی ترین رسالت پیامبران و مردان حق بوده و به دنبال آن امامان، پیشوایان و روشنفکران در این زمینه خلاق را ارشادها نموده اند .

بنابراین از ویژگی های مدیریتی یک حاکم و مدیر، برقراری شرایط مطلوب جهت رشد و ارتقاء احاد جامعه در عرصه تعلیم و تربیت است. اسلام، آموزش و پرورش را تنها یک حق ندانسته، بلکه وظیفه هر مسلمان می داند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: به دنبال دانش بودن وظیفه هر کس و بر هر مسلمانی واجب است. (طوسی، ۱۳۸۸: ۲۸۸)

Management, Economics, Accounting and Humanities
at the Beginning of Third Millennium

از نظر اسلام هر انسانی دارای معرفت های فطری و گنجینه های عقلی است که باید آن ها را کشف کند و به شکوفایی برساند . رسالت پیامبران نیز در این میان تنها تعلیم نیست؛ بلکه قبل از آن ، تربیت و تزکیه انسان هاست. پس اولین هدف تربیت دینی بیدارسازی فطرت و عقل انسان به شمار می رود. (کیومرثی، ۱۳۸۶: ۲۸) تربیت یعنی برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آن که بی شک باید با کوشش نیز هماهنگ باشد بنابراین تربیت در صورتی ثمربخش خواهد بود، که تربیت شونده نیز استعداد دگرگونی را از خود نشان دهد. (امینی، ۱۳۷۲: ۱۰)

افلاطون معتقد است : امری بزرگتر و فنی خدایی تر از تربیت، نیست زیرا تربیت وسیله ای است برای رسیدن جسم و روح، به بلندترین پایه جمال و کمال . (حاذقی، ۱۳۵۷: ب) یکی از انوار درخشان، بلکه درخشان ترین آنان در روزهای تاریک خودپرستی و جهل، وجود بزرگ مربی عالم وجود علی (ع) است . در اهمیت تعلیم و تربیت می توان به این سخن امام اشاره کرد که می فرمایند :

«ای کمیل مردم به سه دسته اند، اول علمای ربّانی، دوم دانشجویان که در راه نجات هستند و سوم فرومایگان پست و بی اراده ای که خیری در آنها نیست.»

تعلیم و تربیت در طول تاریخ بشر ، بیش از هر فعالیت اجتماعی دیگر ، اهمیت داشته است. در بیان اهمیت تعلیم و تربیت کافی است گفته شود که تحقق گوهر آدمی منوط بدان بوده و فعالیت هایی که تحت عنوان آموزش و پرورش در مورد انسان اعمال می شود ، شرط لازم برای تکامل است .

از طریق آموزش و پرورش صحیح می توان برای مردم ، زندگی بهتر و مرقّه تری ایجاد نمود و برعکس در صورت عدم توجه به نیازها و خواسته های افراد و تحت روش ها و اصول نادرست ، وسیله سقوط و نابودی آنها را فراهم آورد . مطالعه نظام های آموزشی تحت حاکمیت حکومت های مختلف در طول تاریخ مؤید این واقعیت است . (شکوهی، ۱۳۶۶: ۲۷) شریعت اسلام تعلیم و تربیت و ارشاد دائمی و مستمر افراد بشر و نیز آگاهی و برخورداری از منطق واقعیات و تصفیه مردم را همواره وظیفه اصلی خود می داند زیرا این امر حیاتی کمک فراوانی به انسان در درست اندیشیدن و فهم مصالح و مفاسد حیات معقول خواهد نمود. (معینی نیا، ۱۳۸۵: ۱۹۶)

اصولاً اساس موفقیت همه فعالیت های سیاسی اقتصادی اجتماعی ، آموزش و پرورش انسان ها ست. کنفوسیوس می گوید : « اگر طرح یکساله دارید ، برنج بکارید . اگر طرح ده ساله دارید درخت بکارید و اگر طرح صد ساله دارید انسان تربیت کنید » یکی از مهم ترین وظایف رهبر و مدیر اجتماع ، ساختن انسان های قوی از انسان های ضعیف است یعنی تبدیل ضعیف ترین انسان ها به قوی ترین و خلاق ترین آنان . بنابراین به جای تکیه بر معادن و هر گونه ثروت مادی دیگر باید به انسان ها تکیه کرد. (علی آبادی، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

هدایت جامعه به سوی فضایل اخلاقی

افلاطون، از برجسته ترین نویسندگان و فیلسوفان یونان باستان است که آموزه های فلسفی اش آشکارا برپایه یکتاپرستی، اخلاق، عدالت، خوبی و زیبایی ناشی از فطرت انسان قرار دارد. او در رساله «سیاست» مهمترین هدف حکمران را سعادت و سلامت اخلاقی جامعه ذکر می کند و معتقد است سعادت بشری به نحو چشمگیری به اخلاق بستگی دارد. (موسکا^۱ و بوتول^۲، ۱۳۶۳: ۵۱-۵۲)

¹ Mosca

² Bouthoul

Management, Economics, Accounting and Humanities
at the Beginning of Third Millennium

به عقیده افلاطون، وظیفه حکومت چیزی جز پروراندن فضایل اخلاقی بین شهروندان نیست. همانگونه که ارسطو نیز غرض از تأسیس دولت را تحصیل بزرگترین خیرها در عالی ترین صورتهای آن برای اعضای جامعه سیاسی می داند. وی « اصلاح عیوب اخلاقی شهروندان و تلقین فضایل نفسانی به آنها » را مهمترین وظیفه دولت می داند. (فاستر^۳، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۲۲)

نظریه ها و دیدگاههای مختلفی درباره معیارها و ملاک های فضیلت اخلاقی وجود دارد که از این نظریات به بیان نظر استاد مطهری می پردازیم: استاد مطهری در این باره معتقد است که: « رفتار و اعمال انسان به دو گونه تقسیم می شود: یکی افعال طبیعی و عادی که شایسته ستایش، آفرین گفتن و قهرمانانه شناختن نیستند و دیگری اعمالی که انسان، آنها را قابل تقدیر و ستایش میدانند و انجام دهنده آن را تحسین می کند و آن را به نوعی قهرمان می شناسد. اینگونه کارها را عمل اخلاقی نامند.» (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۷)

یکی از وظایف حاکم اسلامی در جهت پرورش مردم، این است که جامعه ای سالم و اخلاقی بسازد که در آن اصول اخلاقی مراعات شود. حکومت باید در علاقمند کردن مردم به حفظ ملکات اخلاقی کوشا باشد تا از میان نروند.

بدین ترتیب هدف ریاست بر جامعه، صرفاً بر اساس تأمین ضرورت های مادی بشر و نیازهای معیشتی اونیست زیرا چنین عنایتی حتی در مدینه جاهله، فاسقه و ضاله نیز تحقق پذیر است. (فارابی، ۱۳۶۶: ۷۸) به بیان دیگر گسترش اخلاقیات در جامعه نیازمند سازمانی به نام دولت و حکومت است که در رأس آن، رهبر و حاکم قرار دارد که وظیفه اخلاقی کردن جامعه و به سعادت رساندن انسان ها را بر عهده دارد. (خراسانی، ۱۳۸۳: ۱۶۹-۱۷۰) با مراجعه به قرآن و نهج البلاغه درستی ادعای فوق به روشنی قابل اثبات است زیرا خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن، از پیامبر (ص) به عنوان رهبر جامعه اسلامی می خواهد که در جهت ترویج فضایل اخلاقی بکوشد و همواره نیکوکاران را بشارت و گنهکاران را مورد تنذیر قرار دهد.

" إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ... " (نحل / ۹۰)

براستی خداوند به عمل و داد و نیکی کردن و پرداختن حق خویشاوندان فرمان می دهد و از انجام کارهای زشت و منکر و از ظلم و ستمکاری باز می دارد ...

البته در انتهای مبحث تعلیم و تربیت باید به نقش حکومت در تقویت بنیان خانواده که از ارکان تأثیر گذار در تعلیم و تربیت است هم اشاره کنیم. از آنجا که خانواده می تواند نقطه آغازین هر صلاح و فساد باشد و اجتماع از ترکیب خانواده پدید می آید، اسلام بیشترین توجه خود را به خانواده معطوف داشته است.

پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از تشکیل خانواده نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۳، ۲۲۲) مسلم است که بقای خانواده نیز همچون شکل گیری آن مهم و ضروری است. امام صادق (ع) مردم را به تلاش برای حفظ خانواده فراخوانده و می فرماید: هیچ چیز نزد خداوند عزیز و بلند مرتبه، مبعوض تر از خانه ای نیست که به خاطر تفرقه خراب شود. (العالمی، ۱۹۸۳: ج ۱۵، ۲۲۶) طبیعی است هنگامی که خانواده براساس مودت و تفاهم متقابل شکل گیرد و پدر و مادر با هم تفاهم و تعاون و آگاهی، فضایی آرام و مطلوب برای رشد فرزندان پدید آورند، حرکت عمومی جامعه به سوی صلاح و سعادت خواهد بود. بدین سبب اسلام برای پدر و مادر به عنوان دو رکن اساسی سرنواشت ساز خانواده مقامی والا و ارزشمند در نظر گرفته. آنان را دارای مسئولیتی حساس و ویژه می داند. بنابراین به نظر نگارنده مدیران علاوه بر توجه به مسائل رفاهی و اقتصادی مردم در مورد مسائل تربیتی و اخلاقی آنان در خانواده و جامعه مسئول است و اصلاح و ارشاد مردم نیز از وظایف یک مدیر عدالت خواه است. چرا که اگر جامعه ای در اثر بی توجهی

³ Foster

Management, Economics, Accounting and Humanities
at the Beginning of Third Millennium

کارگزار و مدیر به مسائل اخلاقی و تربیتی مردم، دچار سقوط شود دیگر امیدی به ارتقاء جامعه در عرصه ی عدالت خواهی نخواهد بود. بنابراین مسئولان باید توجه داشته باشند که ، یک مسئول باید نسبت به جنبه های معنوی مردم توجه داشته باشد. (لنکرانی، ۱۳۷۶: ۶۰)

به نظر نگارنده یکی از وظایف بسیار مهم حاکمیت و مدیریت جامعه، مبارزه با مظاهر فساد است زیرا از سویی به آسایش و امنیت افراد جامعه کمک می کند و از سویی موجب حفظ ارزش ها و اصول اعتقادی آنان خواهد شد و از آمیختگی معروف و منکر جلوگیری می نماید؛ و در چنین جامعه ای حرکت در مسیر تعلیم و تربیت مناسب ، امکان پذیر می باشد. هر گاه عفت ناپود شود و فساد و فحشاء جای آن را بگیرد، اصالت انسانی از هم می پاشد و هوس و شهوت بر خوی و خصلت آدمی چیره می شود، تا جایی که ارکان دین و اعتقادات مذهبی نیز متزلزل شده و آنگاه یکباره آن دژ مستحکم فرو می ریزد و راه برای نفوذ استعمار هموار می گردد.

اسلام برای جلوگیری از اینگونه مفاسد، شدیداً با مظاهر فساد و آلودگی مبارزه می کند و کسانی را که به طور آشکار و در ملاً عام به فساد و آلودگی دست بزنند و یا در مکانی هر چند خلوت درصدد توسعه ی فساد و فحشاء باشند، با شدیدترین مجازات کیفر می دهد. این چنین است که علی (ع) در جمله ی «فَأَنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرَ مَا ظَهَرَ لَكَ»، مالک را به مبارزه با مظاهر فساد و آلودگی و جلوگیری از فحشاء و منکرات ظاهری فرا می خواند و در نتیجه، از سقوط و انحطاط جامعه ی اسلامی جلوگیری به عمل می آورد. (لنکرانی، ۱۳۷۶: ۱۱۹)

رویکرد توسعه انسانی در نهج البلاغه

مدیران جامعه اسلامی به کمک بسترسازی فرهنگی مناسب که با بهره گیری از مبانی و روش های صحیح تربیتی میسر می شود، می تواند فضای جامعه را برای اجرای عدالت آماده سازد؛ و از تمام افراد جامعه در رشد و توسعه همه جانبه کشور بهره گیرد. از طرفی نبود تربیت اجتماعی مناسب در یک جامعه منجر به معضلات فراوانی برای شهروندان آن جامعه خواهد شد، لذا بر عهده گرفتن امر تربیت اجتماعی از جمله وظایف مسئولین تربیتی ، بلکه وظیفه مدیران و حاکمان آن جامعه می باشد. انسان اجتماعی زندگی می کند، پس نیاز به تربیت اجتماعی مناسب برای آشنایی با مسئولیت ها و وظایف اجتماعی اش دارد به علاوه توسعه ابعاد مختلف اقتصادی - فرهنگی ، سیاسی - اجتماعی کشور و زمینه سازی برای تشکیل حکومت عدل حضرت مهدی (ع) وابسته به تبیین مبانی و روش های تربیت اجتماعی اسلامی می باشد.

توسعه هر چه بهتر روابط صحیح اجتماعی شهروندان یک جامعه بستگی به تدوین و ارائه تربیت اجتماعی بر پایه فرهنگ ، عقاید ، اهداف و سیاست های تربیتی آن جامعه دارد. پس بر اولیای تعلیم و تربیت یک جامعه لازم است که در مرحله اول به تبیین و تشریح قواعد موجود در تربیت اجتماعی مطلوب و منطبق بر موازین اسلامی اقدام کند.

با توجه به نکات فوق و این نکته که امر تربیت ، تنها جنبه فردی ندارد بلکه عواملی چون روابط اجتماعی، ارزش ها ، الگوها ، دین ، مهارت و عادات افراد یک جامعه به عنوان مانع و مقتضی در امر تربیت دخالت دارند و با توجه به اینکه تربیت اجتماعی مورد نظر حضرت علی (ع) به معنی آن دسته از آموزه های دینی و الهی است که موجب اصلاح رابطه انسان با دیگران می شود و صرفاً به معنی تطبیق با خواسته های جامعه نیست ، لذا لازم است قبل از هر اقدامی به بررسی و تبیین مبانی و روشهای تربیت اجتماعی با توجه به عوامل بالا از جمله "عامل الگو پذیری" اقدام شود؛ تا در سایه آن بتوان به جهت دهی رفتارها و مهارت ها و دانش ها و ارزش های الهی در افراد جامعه پرداخت و آنها را به تنظیم روابط اجتماعی مبین بر معیارهای اسلامی هدایت نمود تا افراد هر چه بهتر و بیشتر به ادای مسئولیت هایشان برای شکوفایی عدالت در جامعه اقدام نمایند.

Management, Economics, Accounting and Humanities
at the Beginning of Third Millennium

در این مبحث به ارائه چهار مبنا و اصل از موضوع تربیت پرداخته شده است. براساس مبنای کرامت و اصل عزت ضروری است در امور تربیتی تا حد ممکن کرامت فرد حفظ شود و توان صیانت از شرف و بزرگواری انسان تقویت شود. مبنای کرامت اشاره به ویژگی شرافت و بزرگی خلقت انسان دارد. لذا به کمک اصل عزت یعنی توانمند نمودن انسان در حفظ کرامت و ارزش انسانی خود، شرافت انسانی حفظ و پاسداری می شود. براساس مبنای تاثیر گذاری انسان تأثیرگذاری ها را جهت می دهیم. در مبنای تأثیر پذیری انسان از شرایط ، مراقبت های لازم و به موقعی را از شرایط تأثیر گذار به عمل می آوریم و طبق اصل اصلاح شرایط و روابط انسانی یا تسهیل شرایط کمال گرایی (اصل مبنایی عدالت) ، تأثیرگذاری ها را کنترل می کنیم . در مبنای حسن از ویژگی ذاتی گرایش به خوبی ها و نیکی ها در انسان بهره برده و طبق اصل آراستگی صورت، ارائه مطالب تربیتی را آراسته می کنیم تا رغبت و تمایل بیشتر شهروندان را برانگیزیم ، خصوصا در مسائل اجتماعی که عامه مردم بایستی به آن گردن نهاده و عمل کنند.

حضرت علی (ع) نوعی رابطه متقابل بین فرد و جامعه قائل هستند، و انسان را موجودی تربیت پذیر (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و تأثیر گذار (نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ، حکمت ۴۷۶) و تأثیر پذیر (نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ، حکمت ۷۲) دانسته و تأثیر پذیری انسان را به معنی نفی استقلال و فردیت آدمی نمی داند، در حالیکه جامعه شناسان فردگرا و جامعه گرا تنها به تأثیرگذاری فرد یا جامعه به تنهایی معتقد هستند. به نظر حضرت علی (ع) جامعه و مردم آن ، دارای سرنوشتی هستند که برای رسیدن به آن تلاش می کنند که آن سرنوشت و مقصد رو به قرب الهی و عدالت فردی و اجتماعی دارد ، و وظیفه نظام تربیت اجتماعی است که در این جهت حرکت کند.

حضرت در ارتباط با این موضوع می فرمایند: « برای هر کدام از شما عاقبت و پایان مهلتی تعیین شده است ، پس با نیکوکاری به آنجا برسید. » (نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۶)

توسعه انسانی موفق و همه جانبه نگر ، سعی می کند به گونه ای شرایط را مهیا سازد که متریبان ، هم در ظاهر و هم در باطن خویش به یک آراستگی شایسته و مناسب شخصیت کریمانه انسانی دست یابد و در سایه همین آراستگی ، افراد به بهترین وجه ممکن سعی خواهند نمود آراستگی ظاهر و باطن خود و سایر افراد را حفظ کند و به گونه ای به وظایف خویش عمل نمایند که هیچ لطمه ای به شخصیت ظاهری و باطنی انسانها نخورده و کرامت و عزت همگی حفظ و متعالی تر شود و این یک هدف مهم تربیت اجتماعی است. تربیت اجتماعی علوی انسانها را افرادی مسئولیت شناس و کمک کار خلق خداوند بار می آورد و انسان را از هرگونه لطمه زدن به آحاد جامعه باز می دارد؛ و رعایت حقوق شهروندان از مهم ترین اصول مورد توجه تربیت علوی است. آنچه در تربیت بشر رخ می دهد، فراهم کردن زمینه های لازم جهت رشد دادن انسان است تا به تدریج استعدادهای انسان شکوفا شود و به فعلیت برسد. از این رو ضروری است که با توجه به دیدگاهها و سیره عملی الگوهای مطمئنی همچون امیر مؤمنان علی (ع) به تربیت اجتماعی فرزندان این مرز و بوم که اعضای رسمی اجتماع فردا می باشند، کمر همت ببندند تا در تربیت صحیح اسلامی افرادی بشر دوست ، خدمتگزار برای انسانیت و برخوردار از اخلاق پسندیده فردی و اجتماعی پرورش یابند؛ پرورش یافتگانی که در حفظ وحدت جامعه و توسعه عدالت تلاش و در قبال هموعان احساس مسئولیت ، رعایت حقوق سایرین پایبند عدالت باشند.

بنابراین لازم است به منظور تربیت اجتماعی و پرورش بهترین اعضا برای اجتماع سه مرحله را پشت سر گذاشت :

اول، آشنا ساختن فرد با حقوق و مسئولیت های اجتماعی که البته این کار باید به تناسب سن و مراحل رشد و متناسب با نیازهای هر مرحله صورت گیرد؛ دوم، ایجاد مهارت های اجتماعی همچون مهارت لازم برای انجام وظایف مدنی و شغلی در فرد؛ و سوم، پرورش اخلاق اجتماعی در فرد تا با تخلق به این اخلاق ، هم تعهد والاتر به ادای حقوق و انجام وظایف اجتماعی در وی پدید آید و هم از این طریق موجبات رشد و سعادت خود جامعه را فراهم آورد.

**Management, Economics, Accounting and Humanities
at the Beginning of Third Millennium**

موفقیت یک نظام در تربیت اجتماعی در گرو شیوه های اتخاذ شده برای رسیدن به اهداف تربیتی است که به کارگیری روش ها آنچه اهمیت بیشتری دارد توجه به ویژگی های عمومی و اختصاصی شهروندان و اهداف مهم تربیتی است . مبانی تربیت انسانی مورد نظر در نهج البلاغه آن دسته از گزاره های توصیفی و اخباری هستند که ناظر بر توانمندی های انسان هستند و انسان را در جهت شکوفا کردن استعدادها در راستای تربیت اجتماعی کمک می کنند.

نتیجه

یکی از وظایف مدیران اسلامی در جهت توسعه انسانی، این است که جامعه ای سالم و اخلاقی بسازد که در آن اصول اخلاقی مراعات شود. حکومت باید در علاقمند کردن مردم به حفظ ملکات اخلاقی کوشا باشد تا از میان نروند. بدین ترتیب هدف ریاست بر جامعه، صرفاً بر اساس تأمین ضرورت های مادی بشر و نیازهای معیشتی اونیست زیرا چنین عنایتی حتی در مدینه جاهله، فاسقه و ضاله نیز تحقق پذیر است. (فارابی، ۱۳۶۶: ۷۸) به بیان دیگر گسترش اخلاقیات در جامعه نیازمند سازمانی به نام دولت و حکومت است که در رأس آن، رهبر و حاکم قرار دارد که وظیفه اخلاقی کردن جامعه و به سعادت رساندن انسان ها را بر عهده دارد. (خراسانی، ۱۳۸۳: ۱۶۹-۱۷۰)

به عقیده افلاطون، وظیفه حکومت چیزی جز پروراندن فضایل اخلاقی بین شهروندان نیست. همانگونه که ارسطو نیز غرض از تأسیس دولت را تحصیل بزرگترین خیرها در عالی ترین صورتهای آن برای اعضای جامعه سیاسی می داند. وی «اصلاح عیوب اخلاقی شهروندان و تلقین فضایل نفسانی به آنها» را مهمترین وظیفه دولت می داند. (فاستر^۴، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۲۲)

حضرت علی (ع) نوعی رابطه متقابل بین فرد و جامعه قائل هستند، و انسان را موجودی تربیت پذیر (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و تاثیر گذار (نهج البلاغه، نامه ۳۱، حکمت ۴۷۶) و تأثیرپذیر (نهج البلاغه، نامه ۳۱، حکمت ۷۲) دانسته و تأثیرپذیری انسان را به معنی نفی استقلال و فردیت آدمی نمی داند. به نظر حضرت علی (ع) جامعه و مردم آن، دارای سرنوشتی هستند که برای رسیدن به آن تلاش می کنند که آن سرنوشت و مقصد رو به قرب الهی و عدالت فردی و اجتماعی دارد، و وظیفه نظام تربیت اجتماعی است که در این جهت حرکت کند تربیت اجتماعی علوی انسانها را افرادی مسئولیت شناس و کمک کار خلق خداوند بار می آورد و انسان را از هرگونه لطمه زدن به آحاد جامعه باز می دارد؛ و رعایت حقوق شهروندان از مهم ترین اصول مورد توجه تربیت علوی است.

از این رو ضروری است که با توجه به دیدگاهها و سیره عملی الگوهای مطمئنی همچون امیر مؤمنان علی (ع) به تربیت اجتماعی فرزندان این مرز و بوم که اعضای رسمی اجتماع فردا می باشند، کمر همت ببندند تا در تربیت صحیح اسلامی افرادی بشر دوست، خدمتگزار برای انسانیت و برخوردار از اخلاق پسندیده فردی و اجتماعی پرورش یابند.

⁴ Foster

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه ، شهیدی، سید جعفر، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۱
۳. نهج البلاغه ، دشتی، محمد ، قم : موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین ، ۱۳۸۳
۴. امینی، ابراهیم؛ اسلام و تعلیم و تربیت ؛ تهران : انجمن اولیا و مربیان ایران، ۱۳۷۲
۵. جعفری تبریزی، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه(شرح نهج البلاغه) ؛ تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶
۶. حادقی ،ابوالفضل؛ مقدمه اصول اساسی فن تربیت نوشته ی حسین کاظم زاده ایرانشهر؛ تهران : انتشارات اقبال، ۱۳۷۵
۷. حجتی، سید محمد باقر؛ اسلام و تعلیم و تربیت ؛ بخش دوم، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۶۶
۸. حداد عادل ، غلامعلی؛ درسهایی از قرآن ؛ تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۸۴
۹. خراسانی، رضا ؛ اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام ؛ قم : نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۳
۱۰. سروش، محمد؛ دین و دولت در اندیشه اسلامی؛ قم : دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ، ۱۳۸۷
۱۱. شکوهی ، غلامحسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن ؛ تهران : انتشارات قدس رضوی ، ۱۳۶۶
۱۲. طوسی ، محمد بن حسن ؛ امالی ؛ ترجمه صادق حسن زاده ؛ قم : نشر اندیشه هادی ، ۱۳۸۸
۱۳. العاملی، محمد بن الحسن الحر؛ وسائل الشیعه ج ۱و۲ و۱۵و۱۸و۲۱و۲۶ ؛ تحقیق: عبد الرحیم الربانی الشیرازی؛ بیروت : داراحیاء التراث العربی ، ۱۳۸۳ م
۱۴. علی آبادی ، علیرضا ؛ مدیران جامعه اسلامی ؛ تهران : نشر رامین ، ۱۳۷۲
۱۵. فارابی، ابونصر ؛ السیاسة المدینه؛ تهران : المکتبه الزهراء ، ۱۳۶۶
۱۶. فاستر، مایکل برسفورد ؛ خداوندان اندیشه سیاسی، ج ۱ ؛ ترجمه جواد شیخ الاسلامی ؛ تهران : انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲
۱۷. قوچانی ، محمود ؛ فرمان حکومتی پیرامون مدیریت ؛ تهران : انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی ، ۱۳۷۴
۱۸. کیومرثی، غلامعلی؛ مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی ؛ تهران : انتشارات مدرسه ، ۱۳۸۶
۱۹. لنکرانی، محمد فاضل ؛ آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع) ؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۶
۲۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لعلوم الائمه الاطهار، ج ۳۲ و ۷۵ و ۷۷ و ۷۸؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۰۳ ق
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن ؛ قم : سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۹
۲۲. مطهری، مرتضی؛ فلسفه اخلاق ؛ تهران : انتشارات صدرا ، ۱۳۶۸
۲۳. معینی نیا، مریم ؛ سیره اداری امام علی؛ تهران : چاپ و نشر بین الملل ، ۱۳۸۵
۲۴. موسکا، گائتانا و بوتول، گاستون ؛ تاریخ عقاید و مکتب های سیاسی : از عهد باستان تا امروز ؛ ترجمه حسین شهیدزاده ؛ تهران: انتشارات مروارید ، ۱۳۶۳
۲۵. خدمتی ، ابوطالب ؛ قدرت در مدیریت اسلامی ؛ فصلنامه بصیرت ؛ شماره ۳۷، ص ۸۲، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ۱۳۸۵